

# APAGA

Quarterly

آبَاگَا  
فصلنامه

Հայ-իրանական մշակութային և հասարակական եռամսյա հանդես  
An International Journal of Oriental Studies



ISSN 1682-5438

شماره ۵۵ پاییز (آذر) ۱۳۹۲

No. 55, , December 2013

**آپاگا**

**فصلنامه بین المللی ایرانشناسی و ارمنی شناسی**

شماره ۵۵ پاییز ۱۳۹۲

**صاحب امتیاز و مدیر مسئول**

ادیک باغداساریان

صندوق پستی شماره ۹۴۸۸-۱۵۸۷۵

تهران - ایران

نشانی اینترنت [www.apagamonthly.4t.com](http://www.apagamonthly.4t.com) و [www.apagaonline.com](http://www.apagaonline.com)

[apaga98@hotmail.com](mailto:apaga98@hotmail.com)

پست الکترونیکی

ISSN 1682-5438

---

## **فهرست**

فارسی استاد سعید نفیسی

ارمنی زندگی استاد از دیدگان فرزندش

انگلیسی چین و چینیان در منابع ارمنی سده های ۱۳-۵ م

---

مقالات و دیدگاه های مندرج در نشریه لزوماً بیانگر موضع "آپاگا" نیست.

نشریه در حک و اصلاح مقاله ها مجاز است.

مقالات و مطالب رسیده باز گردانده نمی شود.

استفاده از مطالب "آپاگا" با ذکر ماخذ آزاد است.

شمارگان ۱۰۰ بها ۵۰۰ تومان

چاپ احسان-تهران چهارراه ولیعصر پلاک ۱۱۴۸

## استاد سعید نفیسی

نادره جلالی



استاد سعید نفیسی محقق، ایرانشناس، ادیب، مورخ، مترجم و نویسنده معاصر، یکی از چهره های برجسته فرهنگ و ادب ایران است که همه عمر خود را در جهت کسب علم و نشر آن به سر آورد و با تدوین آثار تحقیقی خود در زمینه های مختلف، چهره ای به یاد ماندنی در تاریخ علم و فرهنگ ایران زمین از خود به یادگار گذاشت. در سطح جهانی نیز با تحقیق و نگارش کتابها و مقالات متعدد در حوزه های گوناگون مطرح و مشهور گشت.

استاد نفیسی، پسر میرزا علی اکبرخان ناظم الاطباء بود که در ۱۸ خردادماه ۱۲۷۴ هـ/ش / ۸ ژوئن ۱۸۹۶م در تهران دیده به جهان گشود. خانواده پدری او تا یازده پشت پزشک بودند و نیای یازدهمش حکیم برهان الدین نفیس بن عوض بن حکیم کرمانی بود. نفیسی، پنج بهار عمر را پشت سر گذاشته بود که به مدرسه شرف که از تأسیسات پدرش ناظم الاطباء بود رهسپار شد. سه سال ابتدایی را در آن مدرسه گذراند. سپس از سال چهارم ابتدایی تا سال سوم متوسطه در مدرسه علمیه که آن زمان از بهترین دبیرستانهای تهران بود، به تحصیل پرداخت. در ۱۲۸۸ ش به همراه برادرش دکتر حسن نفیسی به اروپا عزیمت نمود و دوره دوم متوسطه را در بهترین دبیرستان نوشاتل سویس که کلژاتن نام داشت آغاز کرد. پس از یک سال اقامت در سویس به اتفاق برادر، عازم پاریس شد.

در ۱۲۹۰ هـ ق اولین اثر خود، یعنی ترجمه کتاب معالجه تازه برای حفظ دندان و دهان را منتشر ساخت و سرانجام در ۱۲۹۷ ش به وطن بازگشت و از آن پس در زمینه های گوناگون به کار پرداخت و مشاغل متعددی را عهده دار شد.

استاد نفیسی در خاطرات خود راجع ورودش به عرصه ادبیات و نویسندگی می نویسد: "زودرس بودن در زندگی ادبی زبانی بزرگ و سودی بزرگ دارد. زبان بزرگ آن است که خوانندگان آن نویسنده، کسانی که نام او را به یاد دارند، سن او را بیش از آنچه که هست می پندارند. من از کسانی هستم که این زبان را برده ام. سود بزرگ آن است که بسیار چیزها به یاد دارد که همسالان وی به یاد نسپرده اند زیرا که در آن روزگار به این چیزها دلبستگی نداشته اند، این سود را نیز من برده ام. چهل و پنج سال پیش در آغاز ۱۲۹۲ هـ ش وارد ادبیات شدم آن روزها هنوز بیست سال نداشتم. دایره ادبیات در آن روزها بسیار تنگ تر از امروز بود و در آن روزها نامی هم از آن همچون امروز در نمی آمد. بازار شاعری، داغ تر از نویسندگی بود و آبروی بیشتری داشت.

اما نویسندگی، دو جنبه بیشتر نداشت: اول کسانی که دستشان به قلم آشنا بود که درباره آنها لغت میرزا استعمال می کردند. دوم کسی که در سر راه پستخانه بنشیند و برای کسانی که خط و سواد ندارند، برای دورافتاده ای نامه بنویسد. در زمانی که من وارد ادبیات شدم، تازه هفت هشت سالی بود که به طفیل حکومت مشروطه، ادارات و وزارتخانه هایی تشکیل شده بود و میرزاهایی که دست و پا داشتند، خود را در آن ادارات جا کرده و سالها منشی ماندند و به هزار جان کندن رئیس شعبه می شدند. از میان این میرزها کسی که دست و پا شکسته زبان فرانسه می دانست نانش توی روغن بود، زیرا مترجم جناب مستشار می شد. من این افتخار را داشته ام که اندک زمانی در سلک این مترجمان باشم. مترجمی من سود بسیار بزرگی برایم داشت و آن این بود که دست به قلم پیدا کردم. از همان زمان کاغذ و قلم را به هم نشینی شبانه روزی خود برگزیدم و با کتاب انس گرفتم."

نفیسی، اولین فعالیت روزنامه نگاری خود را با روزنامه ارشاد آغاز کرد و ترجمه مقاله ای را در آن منتشر ساخت. خود در این باره می نویسد: "مدیر روزنامه ارشاد بیش از همه روزنامه نویسان آن زمان جوانان را تشویق و تحریص می کرد، روزی به من پیشنهاد کرد ستون مخصوص آرا و خواطر را به عهده بگیرم، فوراً پذیرفتم. نخستین باری که این ستون را تهیه کردم و در روزنامه ارشاد به چاپ رسید، نمی دانید به من چه گذشت. آن چهار صفحه را هرگز از یاد نخواهم برد. بارها آن را زیرورو کردم. بارها همان ده پانزده جمله حکیمانه را که ترجمه کرده بودم و به

نام من انتشار یافته بود خواندم. آن روز برای من جشن بود، هنوز هیچ نشده بودم، تنها مترجم چند جمله بیشتر نبودم. نخستین قدم را در راهی برمی داشتم که می بایست از آن پس همه زندگی مرا فرا بگیرد. می بایست چهل سال دیگر شب و روز در همین راه گام بردارم، موانع را پشت سر بگذارم و به آن جایی که دلم می خواست و خود را برای آن آماده کرده بودم برسم. اگر رسیده ام یا نرسیده ام خود دانم و خود."

استاد نفیسی در همان ایام با چهره های برجسته ادب و فرهنگ ایران نیز آشنا شد. یکی از آن افراد، عارف قزوینی بود که نخستین بار در ۱۲۹۳ هـ.ش با او در گاردن پارتی در پارک ظل السلطان با او دیدار کرد. گاردن پارتی، مکانی بود که گروهی از معارف خواهان آن زمان برای گردآوری اعانه، جهت تأسیس مدرسه احمدیه، شرکتی به نام خیریه ترتیب دادند که از اعضای برجسته آن می توان حسین سمیعی ملقب به ادیب السلطنه را نام برد. میرزاده عشقی و ادیب الممالک فراهانی از دیگر چهره های سرشناسی بودند که نفیسی با آنان آشنا شد.

چنان که گذشت، استاد نفیسی در ۱۲۹۷ ش به وطن بازگشت. ظاهراً در بین سالهای ۱۲۸۸ ش سفری نیز به ایران داشته و مدتی را در مملکت خود گذرانده و سپس به اروپا عزیمت کرده و سرانجام در ۱۲۹۷ ش به ایران بازگشته است. استاد، پس از بازگشت به وطن، به تدریس زبان فرانسه در دو دبیرستان مهم آن روزگار تهران، یعنی دبیرستان اقدسیه (در محله پامنار) و مدرسه سن لوئی پرداخت. در همان سال ۱۲۹۷ که حسین علاء در حکومت صمصام السلطنه بختیاری مأمور تشکیل وزارتخانه جدیدی به نام وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه شد و در صدد تأسیس مجله ای با نام فلاح و تجارت برآمد، نفیسی سمت مدیریت آن مجله یافت. این مجله در هر برج یک شماره در تهران منتشر می کرد. اولین شماره آن در اول حمل یونت ثیل (۱۲۹۷ ش) در شانزده صفحه به قطع خشتی با چاپ سربی انتشار یافت. نویسندگان مقالات این مجله افرادی چون دکتر ولی الله نصر، ذکاءالملک، میرزا مهدی خان مقوم الملک، سعید نفیسی و... بودند. سرمقاله اول این مجله را ملک الشعراى بهار تحت عنوان "طلبعه بهار" نوشت. ظاهراً بعد از مدت کوتاهی از نشر مجله فلاح، نفیسی به ریاست اداره فلاح نیز منصوب شد و دو سال در این سمت باقی ماند. در آن زمان، انجمن ادبی، معروف به "دانشکده" نیز تأسیس شده بود و

مجله ای به همین نام منتشر می کرد که ملک الشعراى بهار سمت مدیریت آن داشت و نفیسی، عهده دار تهیه مقالات و تصحیح و طبع آنها بود (۱۲۹۷ ش).

در ۱۳۰۱ ش، سردبیری مجله ادبی پرتو را به عهده گرفت. پرتو در بدو تأسیس به صورت مجله ادبی هفتگی بود که میرزا محمد علیخان واله خراسانی مدیریت آن داشت. استاد سه شماره اول آن را تدوین و چاپ کرد، ولی چون پس از نشر سه شماره، مجله به صورت روزنامه سیاسی درآمد، وی از ادامه همکاری با آن سرباز زد. سپس در ۱۳۰۲ ش روزنامه امید را در تهران تأسیس و منتشر کرد که شماره اول آن در چهار صفحه به قطع بزرگ با چاپ سربی در سه شنبه ۱۱ سرطان ۱۳۰۲/۱۸ ذی قعدة ۱۳۱۴ هـ ق انتشار یافت. سرمقاله اولین شماره این روزنامه، تحت عنوان اول مصیبت بود که با این جملات شروع می شد؛ بالاخره فشار ناملايمات ما را به میدان هیاهو دعوت کرد. اما این روزنامه پس از نشر همین شماره اول متوقف شد و به جای آن روزنامه عهد انقلاب به صاحب امتیازی میرزا آقاخان فریور و نگارندگی سعید نفیسی منتشر شد که در واقع شماره دوم روزنامه امید بود. سرمقاله این روزنامه را معمولاً استاد نفیسی می نوشت. استاد در سال ۱۳۰۳ ش، مدیریت و نویسندگی مجله شرق را عهده دار شد. صاحب امتیاز و مؤسس این مجله، محمد رضانی (مدیر کتابخانه خاور) بود. در ۱۳۰۷ ش، رئیس اداره استخدام وزارت فلاح و بعد رئیس مدرسه عالی تجارت شد. اما در تمام طول این مدت همچنان به تدریس در مدارس مختلف نیز مشغول بود در مدرسه علوم سیاسی به تدریس تاریخ پرداخت و بعد در مدرسه دارالفنون، مدرّس تاریخ ادبیات شد و پس از آن تدریس در مدرسه عالی تجارت و مدرسه صنعتی (هنرستان دولتی) را عهده دار گشت. در ۱۳۰۹ مقالاتی در روزنامه ارمان به مدیریت دکتر شیرازپور به چاپ رساند. با تأسیس دانشگاه تهران در ۱۳۱۳ ش به دانشگاه منتقل شد. نخست در دانشکده حقوق و سپس در دانشکده ادبیات به تدریس پرداخت. بعدها وی جزو نخستین اعضای پیوسته فرهنگستان ایران شد. در ۱۲ شهریور ۱۳۱۳ ش در کنگره فردوسی (جشن هزارمین سال تولد فردوسی) در مشهد شرکت کرد. ظاهراً استاد نفیسی در سال قبل از آن یعنی در ۱۳۱۲ ش نیز بنا به دعوت دولت شوروی در جشن هزاره فردوسی به آن کشور سفر و شرکت کرده و در مسکو نطقی در بزرگداشت فردوسی و اهمیت حماسه ملی ایران در ادبیات جهان ایراد نموده بود. نفیسی در بهمن ۱۳۱۵ به خدمت بانک ملی درآمد و در شهریور همان سال بود که تصدیق استادی برای تاریخ ایران بعد از اسلام برای او

صدور یافت. در بهمن ۱۳۱۷ موفق به اخذ نشان اول علمی شد. ظاهراً از ۱۳۱۸ ش همکاری خود را با رادیو آغاز کرد. وی در ۱۵ شهریور ۱۳۱۸ سخنرانی راجع به شناسایی کشور به وسیله رادیو ایراد کرد. در پایان همین سخنرانی بود که گفت از طرف کمیسیون رادیو مأموریت دارد که از افراد صاحب ذوق و اطلاع بخواهد که گفتاری درباره تاریخ و جغرافیای ایران برای رادیو بنویسند. بدین ترتیب استاد هم مطلب می نوشت و هم در گفتارهای رادیویی اظهار نظر می کرد. سرانجام سعید نفیسی در آبان ماه ۱۳۲۱ ش موفق به دریافت رتبه ۱۰ استادی شد. در ۱۳۲۴ ش مجله پیام نو را تأسیس کرد. در ۱۳۲۶ به عضویت انجمن تألیف و ترجمه دانشگاه درآمد. در سال ۱۳۲۷ برای جشن پانصدمین سال تولد امیر علیشیرنویسی به شوروی رفت و در همان سال در هیئت عالی برنامه شرکت کرد و سرانجام در ۱۳۲۸ به پیشنهاد خودش بازنشست شد. در همین سال سفری به هند کرد. سفر دومش به هند بنا به دعوت دانشگاه علیگر صورت گرفت، آن هم به جهت تأسیس شعبه ادبیات فارسی در در انستیتوی مطالعات اسلامی آن دانشگاه، که مدت دو سال، استاد به این کار پرداخت. در ۱۳۳۰ به افغانستان رفت و چهارماه به عنوان استاد افتخاری در دانشگاه کابل تدریس کرد. سفرهایی نیز به پاکستان داش. در اولین سفر به آن کشور مهمان اقبال آکادمی، سپس دانشگاههای کراچی و لاهور و حیدرآباد سند و ملتان و کوتیه و پیشاور بود و در کنگره فلسفه شرق در پیشاور شرکت کرد (۱۳۳۴). سفر دومش به پاکستان برای شرکت در کنگره اسلامی در لاهور بود.



استاد نفیسی، سفری نیز به مصر داشت و در آنجا یک دوره تاریخ ادبیات ایران در دانشگاه قاهره تدریس نمود. او همچنین سفرهایی به لبنان، ایتالیا، سوئیس، آلمان، بلژیک، فرانسه،

انگلستان، هلند، دانمارک، چکسلواکی و مجارستان، رومانی، بلغارستان و آمریکا (۱۳۳۹) کرد. در سفرش به آمریکا در چهارمین کنگره بین المللی هنر باستان شناسی ایران در نیویورک شرکت نمود. در همان سفر نماینده دولت ایران در کمیته فنی وحدت نامهای جغرافیایی در سازمان ملل متحد شد. در سال ۱۳۳۵ بود که دکتر علی اکبر سیاسی رئیس دانشکده ادبیات آن وقت از ریاست دانشگاه تهران تقاضای تجدد درس استاد را نمود. در ۱۳۳۷ لایحه خاص مجلسین برای بازگشت نفیسی به دانشگاه و تدریس تصویب شد. در فروردین ماه ۱۳۴۰ در رادیو برنامه تازه و جدیدی را به عنوان "یادداشتهای یک استاد" آغاز کرد که به تناوب تا ۱۳۴۲ اجرا شد. در این برنامه، شرح حال، رفتار و گفتار چند تن از بزرگان علم و ادب و سیاست و خدمتگزاران فرهنگ به صورت زنده پخش می شد. استاد در ۱۳۴۱ شروع به تدریس منابع تاریخ ایران در مؤسسه مطالعات و تحقیقات تاریخی نمود و در ۱۳۴۴ سفری به شوروی کرد. در سال های آخر عمر علاوه بر استادی دانشگاه تهران، به عضویت شورای فرهنگی سلطنتی و هیئت امنای کتابخانه پهلوی درآمد و سرانجام در همان سالها خانه کوچکی در پاریس خرید تا بقیه عمر را در آنجا سپری نماید. اما چون برای شرکت در نخستین کنگره جهانی ایران شناسی به تهران آمد، بیمار شد و در ۲۲ آبان ۱۳۴۵ در بیمارستان شوروی درگذشت. جلال الدین همایی، ماده تاریخ فوت او را چنین گفت: چو شد سعید نفیسی برون ز دار حیات ز جمع اهل ادب سرور و رئیسی رفت سنا به سال وفاتش نوشت "ای بیداد" ز گنج علم و ادب گوهر نفیسی رفت استاد نفیسی از رجال دانشمند و پرکاری بود که بیش از پنجاه سال از عمر خود را در خدمت به فرهنگ، تاریخ و زبان کشورش گذراند و خدمات بسیار کرد. او تندکار بود و در نویسندگی بی پروا. نثری ساده، زیبا و روان داشت، از حافظه ای قوی برخوردار و اطلاع و آگاهی او بر نسخ خطی و کتب چاپی و مقالات فرنگی درباره ایران کم مانند بود. در جمع کردن کتاب حریص بود، چنانکه بیش از پنجاه سال از عمر خود را بدین کار گذرانید. کتابخانه ای بزرگ داشت که مایه نخستینش مجموعه کتابهای پدرش ناظم الاطباء بود که به او رسیده بود. کتابهای مهم مجموعه نفیسی مربوط به ایران شناسی، اسلام و مخصوصاً ادبیات زبانهای فارسی و عربی بود. استاد نفیسی، بهترین مجموعه کتابهای روسی درباره ایران را در کتابخانه خود داشت. کتابخانه او حاوی حدود ۱۲۰۰ جلد کتاب خطی بود. نفیسی این کتابخانه نفیس و باارزش را که در طول مدت عمر خود،



با رنج و مشقت فراوان گردآوری کرده بود، بر اثر احتیاج مالی و هم اینکه می دانست هیچ کتابخانه ای در خانواده ها ماندگار نخواهد بود، به فروش رساند. از ۱۲۰۰ جلد کتاب خطی، مقدار ۱۰۸۱ جلد را به کتابخانه مرکزی، ۸۰۷ دفتر خطی جزء جمع و خرج مملکتی را به دانشکده حقوق دانشگاه تهران فروخت و ۷۷ جلد نزد خود باقی گذاشت. کتابهای قدیم اروپایی درباره ایران، خصوصاً سفرنامه ها را به مجلس سنا و ۲۰۰۰ جلد از آثار فرنگی، فارسی و عربی خود مربوط به ایران را به دانشگاه کلمبیا فروخت. چهارمین قسمت کتابخانه خود را که کتب چاپی، مجلات و جراید و جزوات بود نیز به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران داد که مجموعاً بالغ بر ۱۱۲۱۹ جلد بود. دو سال بعد از فوتش نیز خاندان گرامیش، مقادیر زیادی مجله و جزوات چاپی به کتابخانه مرکزی اهدا کردند. به همین جهت، رئیس دانشگاه وقت نام سعید نفیسی را بر کتیبه نام اهدا کنندگان کتاب در سرسرای ورودی کتابخانه الحاق کرد. آنچه بر اهمیت کتابخانه نفیسی می افزود، ۱۶۰ جلد کتابی بود که به خط خودش از ۱۳۰۰ ش از روی نسخ قدیمی، استنساخ کرده بود. زیرا او عادت داشت وقتی نسخه ای مفید می دید که از آن خبری نداشت، به استنساخ آن می پرداخت. در گردش و سفر، نسخه های خطی را با خود همراه می برد و ساعت فراغت خود را به نسخه برداری می پرداخت. در میان نسخه های باارزش کتابخانه او، نسخه ای نفیس به خط برهان الدین نفیس بن عوض کرمانی وجود داشت که استاد به دلیل آنکه یادگیری از پدرانش بود، آن را نفروخت. این نسخه حاوی ۱۰ رساله طیبی بود که هشت تای آن به خط خود برهان الدین نفیس بن عوض کرمانی بود. ظاهراً این نسخه اول به محمد علی تربیت تعلق داشته و بعد از وفات او به دست سعید نفیسی رسیده و به کتابخانه او منتقل شده است. استاد نفیسی، نسبت به مال دنیا بی اعتنا بود و تمام کوشش خود را برای نشر آثار قدیم به کار می برد و در این راه به گرفتن حق التألیفی ناچیز اکتفا می کرد. او چون متون قدیم را خوب می شناخت و در این زمینه زیاد کار کرده بود، متون مهمی اعم از ادبی و تاریخی را به چاپ رساند و بر آن مقدمه نوشت. همچنین آثار متعددی در زمینه داستان، نمایشنامه، تاریخ، قصه های تاریخی، ادبیات ایران و اروپا چاپ کرد. گاهی از روی تفنن شعر می سرود. و در پایان، در کلامی کوتاه می توان گفت او بیشترین و بهترین سالهای عمر خود را صرف خواندن، نوشتن کتب و مقالات مختلف کرد و در مسایل ایرانشناسی تحقیق نمود.

### آثار سعید نفیسی در زمینه تصحیح متون

۱. پندنامه انوشیروان: از بدایع بلخی، ۱۳۱۲
۲. تاریخ گیتی گشا، تألیف میرزا محمد صادق موسوی با دو ذیل تألیف عبدالکریم شریف و آقا محمدرضا شیرازی، ۱۳۱۷
۳. تاریخ مسعودی (معروف به تاریخ بیهقی) ج ۳، ۱۳۱۹-۱۳۲۲
۴. دستورالوزراء، تألیف خواندمیر، ۱۳۳۷
۵. دو تقریر از خواجه امام عمر خیام، مندرج در مجله شرق، ۱۳۰۹
۶. دیوان ازرقی هروی، ۱۳۳۶
۷. دیوان انوری، ۱۳۳۷
۸. دیوان اوحدی مراغی، ۱۳۴۰۹. دیوان قصاید و غزلیات معین الدین جنید شیرازی، ۱۳۲۰
۱۰. دیوان رشید وطواط، ۱۳۳۹
۱۱. دیوان قصاید و غزلیات عطار نیشابوری، ۱۳۱۹
۱۲. دیوان قصاید و غزلیات نظامی، ۱۳۳۸۱۳. دیوان عمیق بخارایی، ۱۳۳۹
۱۴. دیوان قاسم انوار، ۱۳۳۷
۱۵. دیوان مقطعات و رباعیات ابن یمین، ۱۳۱۸
۱۶. دیوان لامعی گرکانی، (۱۳۱۹)
۱۷. دیوان هلالی جغتایی، ۱۳۳۷
۱۸. رباعیات بابا افضل کاشانی، ۱۳۱۱
۱۹. رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری، ۱۳۰۶
۲۰. رساله روحی انارجانی، مندرج در فرهنگ ایران زمین، ۱۳۳۳
۲۱. رساله صاحبیه، مندرج در فرهنگ ایران زمین، ۱۳۳۲
۲۲. رساله فریدون بن احمد سپهسالار در احوال جلال الدین مولوی، ۱۳۵۰
۲۳. رساله مجدیه، نوشته مجدالملک سینکی، ۱۳۲۱
۲۴. سام نامه خواجهی کرمانی، ج اول، ۱۳۱۶
۲۵. زین الاخبار گردیزی (شامل تاریخ ساسانیان تا پایان دوره صفاری) ۱۳۳۳

۲۶. سخنان منظوم ابوسعید
۲۷. سیرالعباد الی المعاد، اثر سنایی غزنوی، ۱۳۱۶
۲۸. شاهنامه، ج ۷.۸.۹.۱۰ چاپ بروخیم، ۱۳۱۴
۲۹. شاهنامه، ج اول، چاپ خاور، ۱۳۱۰
۳۰. کلیات عراقی، ۱۳۳۵
۳۱. فتوت نامه ناصری، مندرج در فرهنگ ایران زمین، ۱۳۳۹
۳۲. گشایش و رهایش، تألیف ناصر خسرو، بمبئی، ۱۳۲۸
۳۳. گلستان سعدی، ۱۳۴۰
۳۴. لباب الالباب، ۱۳۳۵
۳۵. مقامات عبدالخالق غجدوانی و عارف ریوگری، مندرج در فرهنگ ایران زمین، ۱۳۳۳
۳۶. منتخب قابوسنامه، وزارت فرهنگ، ۱۳۲۰
۳۷. مواهب الهی، (در تاریخ آل مظفر) تألیف معین الدین یزدی، ج اول ۱۳۲۶
۳۸. نصیحت نامه (قابوسنامه)، ۱۳۱۲
۳۹. آثار گمشده ابوالفضل بیهقی، ۱۳۱۵
۴۰. ابن سینا در اروپا، ۱۳۳۳
۴۱. احوال و منتخب اشعار خواجهی کرمانی، ۱۳۰۷
۴۲. احوال و اشعار رودکی، سه جلد ۱۳۰۹-۱۳۱۹
۴۳. احوال و اشعار فارسی شیخ بهایی، ۱۳۱۶
۴۴. جستجو در احوال و اشعار فریدالدین عطار، ۱۳۲۰
۴۵. در پیرامون احوال و اشعار حافظ، ۱۳۲۱
۴۶. مجدالدین همگر شیرازی، ۱۳۱۴
- لغت:** فرهنگ نفیسی (فرنوسار) تألیف علی اکبر ناظم الاطباء نفیسی، ۱۳۱۸-۱۳۱۹ (جلد ۵)
- کتابشناسی:** فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ۱۳۴۴ (جلد ششم)

**فهرست مقالات:** مرحوم نفیسی مقالات متعددی در زمینه های تاریخ ایران و اسلام، مشاهیر، هنرمندان، اطباء، شعرا، فلاسفه، لغت نامه ها و دایرة المعارفها، مؤسسات تمدنی جدید، نمایش و... در مجلات مختلف به رشته تحریر درآورده است که جهت اطلاع بیشتر به پنج مجلد فهرست مقالات فارسی، ایرج افشار رجوع کنید.

### منابع:

۱. نفیسی، سعید، دکتر علی اکبر خان نفیسی ناظم الاطباء، مجله یادگار، س ۳، ش ۴ صص ۵۲-۵۳
۲. نفیسی، سعید، سرگذشت من، مجله سپید و سیاه، مورخ ۲ آبان، ۲۴ آبان ۱۳۳۷، ۱۴ آذر، ۷ آذر و ۲۸ آذر ۱۳۳۷ و ۱۷ بهمن ۱۳۳۷
۳. نفیسی، سعید، اولین خاطره روزنامه نگاری من، مجله خوشه، ش ۲، بهمن ۱۳۳۴
۴. نفیسی، سعید سفرهای من به ماوراء خزر، سالنامه دنیا، ۱۳۴۰
۵. نفیسی، پریمز، عمری با سعید نفیسی، پیام نوین، دوره دهم، شماره ۱، دی ۱۳۵۱
۶. زرین کوب، عبدالحسین، سخنرانی درباره سعید نفیسی، پیام نوین، دوره دهم، ش ۱، دی ۱۳۵۱
۷. یغمایی، حبیب، "وفیات معاصران"، سعید نفیسی، مجله یغما، آذر ۱۳۴۵
۸. آراین پور، یحیی، از نیما تا روزگار ما، ج ۳، انتشارات زوار، چ اول، ۱۳۷۴ ص ۲۵۸
۹. صدر هاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۲، ۳، ۴، انتشارات کمال، چ ۲، ۱۳۶۳ صص ۵۷، ۴۹، ۵۰، ۲۷۶، ۲۷۷، ۱۱۹ تا ۶۶، ۶۷، ۷۱، ۸۹، ۹۱، ۵۴
۱۰. افشار، ایرج، سواد و بیاض، ج ۲، ص ۵۲۱
۱۱. برقی، محمدباقر، سخنوران نامی معاصر ایران، ج ۶، انتشارات نشر خرم، چ اول، ۱۳۷۳، ص ۳۶۶۷
۱۲. مجله راهنمای کتاب، س ۹، ش ۵، دی ماه ۱۳۴۵
۱۳. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۹، ش ۲۱
۱۴. نفیسی، سعید، ش اول، س ۱۴، مهر ۱۳۴۵ (مخصوص یادبود سعید نفیسی)
۱۵. عاقلی، باقر، روز شمار تاریخ ایران، ج ۱، انتشارات نشر گفتار، چ دوم ۱۳۷۲، ص ۲۸۲